

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۸ فروری ۲۰۱۹

افزایش حداقل دستمزد کارگران، نیازی حیاتی ست!

نگاهی به شرایط کار و زندگی کارگران در زیر سلطه رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی به عینه نشان می دهد که بورژوازی ایران با تحمیل دستمزد های ناچیز و عدم پرداخت به موقع همین دستمزد های نازل، بخش بزرگی از کارگران را در شرایط فقر و فلاکت مطلق قرار داده است. یکی از دلایل اساسی وقوع هزاران اعتصاب و اعتراض قهر آمیز کارگری در سال ۹۷ و یا رواج جنبش سمبولیک "پهن کردن سفره های خالی" در مقابل نهادهای دولتی را، همین واقعیت تشکیل داده است. دلیل چنین عکس العملی نیز واضح است و با در دست داشتن یک تصویر صحیح از واقعیت عینی شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان براحته می توان به چرائی این امر پی برد. ما می دانیم که با احتساب خط فقر در سال ۱۳۹۷ که بسته به تخمین منابع مختلف، در آمد زیر ۴ تا ۵ میلیون تومان در ماه برآورد شده، حقوق کارگران در سال جاری حداقل ۳ برابر در زیر خط فقر قرار داشته است. یعنی اکثریت کارگران اجباراً در زیر خط فقر گذران می کنند. تداوم این شرایط، جان کارگران زحمتکش و خانواده های محروم و گرسنه آنها را به لبشان رسانده است.

جدا از این که بورژوازی دندان گرد ایران، از پرداخت دستمزد کارگران در موعد های مشخص خود سر باز می زند و گاه ماه ها حقوق کارگران پرداخت نمی شود، خود سطح حقوق کارگران هم بسیار نازل تعیین می شود و به هیچ وجه پاسخگوی تأمین حداقل نیازمندی های زندگی آنها نمی باشد. در جمهوری اسلامی "شورای عالی کار" هر سال در اسفند ماه [حوت]، درباره حداقل دستمزد کارگران تصمیم می گیرد. به همین دلیل هم، هر ساله در ماه های بهمن [دلو] و اسفند شاهد بحث هایی هستیم که در باره افزایش حداقل دستمزد با توجه به "نرخ تورم" و "سبب معیشت خانواده" کارگر، در مطبوعات رژیم طرح می شوند. البته تجربه چهل سال سلطه سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به آشکاری نشان داده که همواره "شورای عالی کار" بدون توجه به چنین بحث هایی و بدون توجه به نیاز های واقعی کارگران و میزان واقعی نرخ تورم، چقدر غازی به دستمزد کارگران اضافه می کند و این رقم همواره کمتر از میزانی است که بر مبنای معیار های تعیین شده در قانون کار جمهوری اسلامی می باید، حداقل دستمزد کارگران بر آن مبنا تعیین شود. برای نمونه با این که "کمیته دستمزد شورای عالی کار" در سال ۱۳۹۷ هزینه های یک خانواده کارگری را ۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان محاسبه کرده بود، اما سرانجام شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را برای این سال، ماهی یک میلیون و ۱۱۵ هزار تومان تعیین نمود، یعنی با معیارهای خود گردانندگان کمیته دستمزد شورای عالی کار

جمهوری اسلامی، چیزی حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان کمتر از مبلغ هزینه های یک خانواده کارگری. به این ترتیب حداقل دستمزد سال ۹۷ حتی با معیارهای "کمیته دستمزد شورای عالی کار" که ماهیت ضد کارگری آن بر کسی پوشیده نیست، هم انطباق نداشت و ندارد.

واضح است که نتیجه مرگبار حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران، حتی اگر کارفرمایان آن را بپردازند - که قاعدتاً نمی پردازند - قرار دادن شمار روزافزونی از کارگران در مرداب فقر و فلاکت می باشد.

واقعیت ها و نتایج هولناک تعیین دستمزد بسیار پائین تر از خط فقر برای کارگران در سال ۱۳۹۷ چنان آشکار است که خود کارگزاران جمهوری اسلامی نیز به آن اعتراف می کنند. برای نمونه بنا بر اظهارات رسول خضری عضو کمیسیون اجتماعی مجلس جمهوری اسلامی، حدود ۸۵ درصد از مردم ایران زیر "خط فقر" زندگی می کنند. همین مهره حکومت می افزاید که از زمان آغاز به کار دولت دوازدهم روحانی در سال ۹۶، شعار "از بین بردن فقر مطلق" که در آن سال ۱۲ درصد بود، نه تنها متحقق نشد و رقم آن حتی کاهش نیافت، بلکه در سال جاری و به موازات تغییرات فاحش نرخ ارز، این پدیده "رشد" کرد و هم اکنون حدود "۵۰ درصد" جمعیت کشور در مواجهه با فقر مطلق قرار دارند. این اعترافات با در نظر گرفتن "سبد معیشت خانواده" که از سوی برخی نهادهای جمهوری اسلامی رقم ۶ میلیون تومان در ماه اعلام شده و مقایسه آن با رقم حداقل دستمزد، به خوبی نشان می دهند که کارگران مولد ثروت در جامعه ایران، چه شرایط زندگی دشوار و طاقت فرسائی را از سر می گذرانند.

جای تردید نیست که فقر و فلاکت خانواده کارگری و گرسنگی کشیدن های دردناک کارگران و خانواده آنها، خشم و نفرت کارگران را نسبت به وضع ظالمانه حاکم بر می انگیزد، خشم و نفرتی که با زندان، شکنجه، اعدام و سرکوب وحشیانه کارگران معترض از سوی دیکتاتوری حاکم، پاسخ می گیرد. اما، چه آن شرایط اسفناک معیشت و چه سرکوبی که جهت حفظ این شرایط دهشتناک از سوی جمهوری اسلامی اعمال می شود، یک راه بیشتر در مقابل کارگران برای رهائی از این اوضاع باقی نمی گذارد، آن هم مبارزه هر چه قاطعانه تر در اشکال مختلف با هدف سرنگونی این رژیم استثمارگر و جنایت کار. مبارزه ای که ضرورت برپائی یک نیروی مسلح کارگری - مردمی برای مقابله با نیروی سرکوب دشمن و تلاش برای ایجاد و تقویت گروه های سیاسی- نظامی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نابودی نظم استثمارگرانه حاکم را در چشم انداز فعالیت های کارگران مبارز و آگاه ما قرار می دهد. چشم اندازی که بارها در شعارهای جمعی کارگران بیخاسته نظیر "بجنگ تا جنگیم" و "آتش جواب آتش"، در جریان قیام ها و شورش های آنها متجلی شده است.

همه واقعیات چهل سال سلطه جمهوری اسلامی نشان داده اند که تا زمانی که این رژیم سفاک بر قدرت است، وضعیت زندگی کارگران هم بهبود نخواهد یافت، به همین دلیل هم پیش شرط رهائی کارگران، مبارزه برای سرنگونی این رژیم دار و شکنجه می باشد. این همان واقعیت اجتناب ناپذیری است که در اعتراضات و تظاهرات های خیابانی یک سال اخیر به اشکال مختلف از سوی همه توده های بیخاسته فریاد زده شده است.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۶۱، پانزدهم بهمن ماه ۱۳۹۷